

تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی*

□ محمود اصغری^۱

چکیده

بین آرمان‌های دینی و اقتصادی در مکتب اسلام تعامل و هماهنگی کاملی وجود دارد، تا جایی که اسلام، اقتصاد را وسیله‌ای جهت رشد و تعالی انسان می‌بیند. از این رو، در فرهنگ اقتصادی اسلام، اهتمام به علم و دانش و نوآوری، ترغیب به کار، اهمیت دادن به وجدان کاری، اتقان و انضباط در کار و عمل، پرهیز از اسراف و تبذیر، زهد و قناعت در مصرف، تشویق به بهترین استفاده از نعمت‌های الهی و تلاش در امر تولید و عدم وابستگی به بیگانگان در کالاهای استراتژیک، زمینه را برای رسیدن به الگوی متناسب با آرمان‌های اقتصادی اسلام فراهم می‌آورد.

نهادینه سازی چنین فرهنگی از طریق تربیت دینی که زمینه را برای پای‌بندی به باورهای دینی و به میدان عمل آوردن آنها ایجاد می‌کند، میسر است.

براین اساس، فرض ما در این پژوهش بر این است که بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد، زیرا تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت‌آموزی و به کارگیری آن در بهره‌وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره‌وری است.

واژگان کلیدی: تربیت دینی، اقتصاد مقاومتی، الگوی مصرف، اقتصاد دانش بنیان.

مقدمه و طرح مسأله

تشریح احکام و قوانین اقتصادی در شرع مقدس اسلام برای آن است که فرد و جامعه با عمل به آنها به اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد دست یابند. به عبارت دیگر، مجموعه احکام و قوانین مزبور یک «نظام دستوری رفتاری» را می‌سازند، و از آنجا که تربیت دینی هم در پی تطابق رفتار افراد در تمامی حوزه‌های اجتماعی (اعم از حوزه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی) بر مبنای دستورات دینی است، بنابراین هر دو دارای خاستگاهی یگانه‌اند.

براین اساس چگونگی ارتباط و تعامل این دو را باید در خاستگاه آنها جستجو کرد. از آنجا که جامعه را می‌توان «سیستم اجتماعی» در نظر گرفت (چون در جامعه افراد دارای روابط متقابل‌اند)، در واقع سیستم اجتماعی، برخاسته از روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی همچون روابط طبیعی اموری جزئی و قطعی نیستند. به همین جهت است که افراد در شرایط معینی نسبت به یک عامل مشخص می‌توانند پاسخ‌های متفاوتی بدهند. و این امر تابع اراده و اختیار انسان‌هاست (امیری تهرانی، ۱۳۷۲، ۱۶).

روابط اقتصادی انسان‌ها، از جمله روابط اجتماعی انسان‌ها محسوب می‌شود. در نتیجه انسان در رفتارهای اقتصادی خود تابع میل و اراده خود است. از آنجا که گزینش‌ها متأثر از باورها و ارزش‌های دینی و اجتماعی است، رفتار اقتصادی ارتباطی وثیق و تنگاتنگ با نظام ارزشی برگرفته شده از مبانی انسان‌شناختی و اصول جهان بینی و نگاه هستی‌شناسانه افراد دارد (ر. ک. به: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱، ۲۵-۲۲ و بناء رضوی، ۱۳۶۸، ۲۰۸). بدین جهت است که در پاسخ به سه سؤال اساسی در هر نظام اقتصادی که عبارتند: از این که «چه کالایی؟ به چه میزان؟ و به چه شکل تولید شود؟»، تابع خواست و ارزش‌های حاکم بر آن جامعه است. بعد از این مقدمه به طرح مسأله می‌پردازیم. از آنجا که اقتصاد مقاومتی در پی دستیابی به اهدافی است و آن اهداف را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: اقتصاد مقاومتی در پی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی

مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است.

فرض ما در این پژوهش بر این است که برای دستیابی به این اهداف، مناسب‌ترین بستر، قواعد رفتاری اقتصادی اسلام است که می‌توان از طریق تربیت دینی به آن دست یافت. براین اساس، هر چه باورهای مردم به مبانی اعتقادی دینی، محکم‌تر و اجرای احکام اقتصادی آن دقیق‌تر باشد به همین میزان دست‌یابی به اهداف اقتصاد مقاومتی بیشتر و سریع‌تر خواهد بود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اگرچه در سال‌های پس از انقلاب، کشور در بسیاری از نیازهای حیاتی به خودکفایی رسیده است، اما هنوز هم در بخشی از مهم‌ترین نیازها به خارج وابسته است. نگاهی به فهرست واردات کشور نشان می‌دهد که در عرصه کالاهای خوراکی مواردی همچون برنج، دانه ذرت دامی، قند و شکر، گوشت، روغن خام سویا، در زمره بیست کالای اول وارداتی هستند. در حوزه صنعتی نیز شمش فولاد به عنوان یکی از مهم‌ترین اقلام صنعت، اولین کالای وارداتی کشور است. به طور کلی آمار واردات کشور نشان می‌دهد که بیش از ۲۵ درصد واردات کشور در بیست قلم کالا خلاصه می‌شوند که بخش عمده‌ای از آنها به نیازهای مهم و استراتژیک کشور مرتبط است (فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

اهمیت اقتصاد مقاومتی از آن‌جا ناشی می‌شود که هجمه دشمنان انقلاب اسلامی برای متوقف کردن روند پیشرفت انقلاب در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری بر عرصه اقتصاد تمرکز یافته است.

این در حالی است که وضعیت فعلی اقتصادی کشور با اقتصاد مقاومتی فاصله نسبتاً زیادی دارد. شاهد بر این ادعا، در بخش مصرف، وجود اسراف و تبذیر در بازار مصرف، حاکمیت فرهنگ مصرف‌گرایی، تمایل به مصرف کالای خارجی و در بخش سرمایه، به کارگیری سرمایه‌ها در سفته بازی، و به کار نگرفتن آنها در امر تولید، و در بخش تولید، بی‌توجهی به تولید کالاهای اساسی، عدم

پای‌بندی به وجدان کاری و... است. وجود چنین وضعیتی حکایت از عدم پای‌بندی به فرهنگ اقتصادی اسلام در جامعه را دارد. برای اصلاح و تغییر این وضعیت پای‌بندی به احکام و دستورات اقتصادی اسلام دو چندان می‌شود. این مهم بیان‌گر ارتباط تنگاتنگ بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی است. نوع نگرش و تفکر و فرهنگ سازی که در بستر تربیت دینی تبلور خواهد یافت، هیچ‌گونه سازگاری با اسراف و تبذیر، و ائتلاف سرمایه‌ها و مهمل کاری و نگاه به بیرون مرزها را نخواهد داشت.

روش تحقیق

در این پژوهش همانند همه پژوهش‌های مشابه خود، روش کار کتابخانه‌ای است؛ که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع دینی (کتاب و سنت)، در پی اثبات فرضیه خود می‌باشد.

فرضیه پژوهش

فرض ما بر این است بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد. زیرا تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت‌آموزی و به‌کارگیری آن در بهره‌وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره‌وری است. بر این اساس تربیت دینی بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی فراهم می‌سازد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه تحقیق باید گفت، اگر چه درباره موضوعاتی مانند تربیت دینی، تحقیقات زیادی صورت گرفته و در قالب کتاب یا مقاله در مجلات به چاپ رسیده است؛ همچنین در رابطه با اقتصاد مقاومتی تعداد محدودی کتاب و مقاله منتشر شده است؛ اما این که این دو موضوع (تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی) باهم به صورت یک مسأله پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته

باشد، مسبوق به سابقه نیست.

بخش اول: تعاریف و مفاهیم

معنای تربیت دینی

شناخت مفهوم تربیت دینی منوط به شناخت معنای دو کلمه تربیت و دین است. بنابراین لازم است به معنای این دو واژه پرداخته شود.

واژه «تربیت» به معنای پروراندن یا پرورش دادن است (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه تربیت).

برخی، برای کلمه تربیت سه ریشه لغوی را مد نظر قرار داده‌اند. ریشه اول این که از ماده «ربا، یربو»، که به معنای رشد و نمو است. دوم از ریشه «ربا، یری»، که به معنای رشد و تکامل آمده است. سوم این که از ریشه «رب، یرب»، که به معنای اصلاح و به عهده گرفتن امر است. پس تربیت در لغت دارای سه معناست، اول زیاده و نمو، دوم رشد و تکامل و معنای سوم اصلاح و تهذیب (الحسنی، ۱۳۸۳، ۲۲).

واژه «دین» در نگاهی کلان، چیزی جز معیار هدایت و عامل معنادهی و هویت بخشی به بشر نیست؛ محتوای دین، نسخه سعادت‌مندی بشر است. به تعبیر امام خمینی علیه السلام:

دین الهی دارای دستورات جامعی است که کلیه ابعاد مادی و معنوی بشر را شامل می‌شود؛ تعالیمی که علاوه بر غنی ساختن انسان در بعد روحانی، در مادیات هم او را غنی می‌سازد (صحیفه نور، ج ۵، ۲۴۰). با توجه به چنین معنا و برداشتی از دین است که انتظار مقام معظم رهبری از جامعه دینی این چنین است که:

جامعه اسلامی، زندگی معنوی و مادی را توأمان دارد. هم دین مردم و اخلاق مردم و فرهنگ و معارف مردم را غنی می‌کند، هم زندگی مادی و معیشت مردم، یعنی کار و تولید و استخراج و اختراع یک جامعه اسلامی را تأمین می‌کند

و لذا باید برویم دنبال یک چنین حرکتی (مقام معظم رهبری، ۷۰/۴/۲۸).
 حال با توجه به تعریف دو واژه تربیت و دین باید گفت منظور ما از تربیت
 دینی چیزی جز تربیت اسلامی نیست.

تربیت دینی در مفهوم خاص آن عبارت است از مجموعه تدابیر و اقدامات
 سنجیده و منظم تربیتی به منظور پرورش و تقویت ایمان و التزام متریبان به باورها،
 هنجارها و ارزش‌ها، احکام و دستورات، اعمال و مناسک دینی (صادق‌زاده
 قمصری، و همکاران، ۱۳۸۰، ۷). بنابراین، تربیت دینی در شکل سالم خود، باید
 درصدد آن باشد که ایمان و عمل را در پیوند با یکدیگر پدید آورد (باقری،
 ۱۳۸۰، ۴۰).

مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند
 رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا
 کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲).

تعاریف دیگر

برخی از تعاریف دیگری که صاحب‌نظران در رابطه با معنا و مفهوم اقتصاد
 مقاومتی بیان نموده‌اند، به نوعی توضیح و تبیین کلام رهبری است. نمونه‌هایی از
 آن تعاریف بدین قرارند:

خوش چهره (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی
 مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

میرمحمدی (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی مجموعه تدابیر و راه‌کارهایی است که
 برای پیشبرد امور اقتصادی در شرایط مقاومت، در همه زمینه‌های اقتصادی به کار
 گرفته می‌شود.

موسوی (۱۳۹۲): اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط کنونی تحریم، و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. ایزدی (۱۳۹۲): سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به پایداری در همه سطوح با فرض فشار همه جانبه نظام سلطه.

صادقی شاهدانی (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی یعنی این که مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند.

رضایی (۱۳۹۲): ایرانیزه کردن سیستم اقتصادی به گونه‌ای که در مقابل هرگونه تحریم و فشارهای همه جانبه خارجی به اقتصاد کشور گزندی وارد نشود.

برخی هم بر مبنای تفکر سیستمی این گونه به تعریف اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند:

اقتصاد مقاومتی سیستمی است که درصدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانون‌مندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد (جامی، ایمانی مقدم، تنها، ۱۳۹۱، ۱۸۲). با توجه به تعاریفی که بیان شد تعریف مورد نظر ما از اقتصاد مقاومتی همان تعریف مقام معظم رهبری است.

بخش دوم: نقد و بررسی تأثیر تربیت دینی بر اقتصاد مقاومتی بازشناسی مفهوم تربیت دینی

در بررسی مفهوم تربیت دینی یک‌بار برآنیم که نقش دین، آموزه‌ها و باورهای دینی را در پرورش انسان مورد توجه و ارزیابی قرار دهیم، در این صورت، تربیت دینی به مثابه عاملیت دین در تربیت انسان قابل مطالعه خواهد بود، اما این تعریف مقصود اصلی نوشتار حاضر را در بر نمی‌گیرد.

مفهوم دیگری که برای «تربیت دینی» در نظر گرفته می‌شود، به برابری تربیت دینی، یعنی دین‌باوری، دین‌مداری و شخص دین‌باور و دین‌مدار نظر دارد. بر این اساس، «تربیت دینی» به مفهوم بررسی نقش دین در تربیت انسان با «تربیت دینی» به مفهوم محصول تربیت، یعنی دین‌باوری و دین‌مداری، از یکدیگر متمایز می‌شوند.

بر مبنای تعریف دوم، دین‌مدار کسی است که پیش از هر چیز، حیثیت کاربردی دین را باور کرده، به کارکردهای مؤثر دین در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی یقین داشته باشد. چنین فردی به اهمیت نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی پی برده است و به قدر وسع خویش کوشیده است در مقام عمل و رفتار به مفاد دین پای‌بند باشد. بنابراین دین در نظر انسان دین‌مدار تربیت یافته به تربیت دینی، از ارزش نظری و کاربردی مسلمی برخوردار است، به گونه‌ای که درمی‌یابد دین با تمام ساحت‌های سیاسی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و... سروکار دارد. چنین برداشتی، خاصیت طبیعی دین‌داری و مایه قوام و استحکام دین‌باوری و دین‌مداری است. تربیت دینی بر چنین مسأله‌ای تأکید می‌ورزد.

تربیت دینی بدین ترتیب، هم به جهان‌بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش‌های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آنها متکی است. به عبارت دیگر، تربیت دینی هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او کار دارد. این دو قلمرو، یا مناسب‌تر، این دو حیثیت هرگز از یکدیگر جدایی نمی‌پذیرند.

تعامل بین ایمان و عمل

تربیت دینی، باید برای فراهم آوردن معرفت و بینش مناسب نسبت به آموزه‌های دینی، سخت بکوشد و در پرتو این بینش، گرایش‌ها را به حرکت واداشته و زمینه تبلور اراده و انتخاب را فراهم آورد. ایمان، دستاورد این تلاش است. انسانی که

ایمان در قلب او روییده، باید بر این حقیقت نیز واقف گردد که بالیدن این نهال، در گرو عمل است. ایمان نیز باید از عمل سیراب گردد تا شاخ و برگ بگستراند «... فبالایمان یستدل علی الصالحات و بالصالحات یستدل علی الأیمان»؛ با ایمان می‌توان به اعمال صالح راه برد، و با اعمال نیکو به ایمان می‌توان دسترسی پیدا کرد (دشتی، ۱۳۷۹، ۲۹۲-۲۹۱).

ابن ابی‌الحدید در شرح این سخن علوی می‌گوید: مراد از ایمان در ابتدای جمله (بالایمان یستدل...) معنای لغوی آن است نه اصطلاح شرعی. ایمان در لغت به معنای تصدیق است؛ بنابراین معنای عبارت این است که کسی که وحدانیت خدا و رسالت پیامبر ﷺ را تصدیق کند، این شهادتین وی دلیلی خواهد بود بر اعمال صالح واجب و مستحب. اما مراد از ایمان دوم (... یستدل علی الایمان) معنای شرعی است نه لغوی. معنای شرعی ایمان پیمان قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی است. در این صورت، مؤمن تا زمانی که به همه واجبات عمل نکند و از همه افعال قبیح اجتناب نکند، مؤمن شمرده نمی‌شود (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷، ج ۹، ۲۰۱).

نشانه بودن عمل بر ایمان در احادیث و روایات معصومین علیهم‌السلام امر مسلمی در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه، امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

ایمان ادعایی است که جز با بینه ثابت نمی‌شود و بینه ایمان عمل آن است (کلینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ۴۰). همچنین، امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

به درستی که یقین مؤمن در عمل او مشاهده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ۳۱۱). بر مبنای آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام است که به اعتقاد علامه مجلسی: «تصدیق جز به اقرار ظاهر نمی‌شود و اقرار جز به عمل جوارح کامل نمی‌گردد. همانا اعمال گواهان ایمان‌اند» (همان، ج ۷، ۲۸۲). بنابراین، بین ایمان و عمل تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد.

قلمرو تربیت دینی در حوزه اقتصادی

تربیت صحیح دینی در حوزه رفتارهای اقتصادی از یک سو، در برابر دو قطب آسیب‌زای رهبانیت، که با تعطیلی تلاش برای رفاه و پیشرفت فردی و اجتماعی همراه است و در نتیجه به فقرآفرینی و فقیرپروری منجر خواهد شد؛ و نیز با هدف قرار دادن دنیا و نیاززدگی که همه چیز را در حیطه دنیا دیدن و خود را فدای دنیا کردن، که به انحصار منابع و استثمار کشیدن هم نوعان منجر خواهد شد، قرار دارد. و از دیگر سو، در پی نهادینه سازی فرهنگ حقوق اقتصادی و اخلاق اقتصادی دینی است.

در راستای کارآمدی تربیت دینی در حوزه اقتصادی و پیوند وثیق آن با اقتصاد مقاومتی است که به اعتقاد برخی از صاحب نظران:

ما در پی «اقتصاد ایده آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد (پیغامی، ۱۳۹۱).

قلمرو تربیت دینی در حوزه فرهنگی

اگر مجموعه عقاید و باورهای افراد را در درون فرهنگ ببینیم، باید پایه اصلی فرهنگ جامعه را، که رفتار انسان‌ها را می‌سازد، در گرو اعتقاد و ایمان به خدا دانست (عزتی، ۱۳۷۸، ۱۶۲). براین اساس نقش و جایگاه تربیت دینی در شکل‌دهی به فرهنگ از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عنوان مثال، اگر چه حقوق اقتصادی قانونی است الزامی که برای تنظیم و توجیه حیات اقتصادی انسان‌ها صادر می‌شود و دارای ضمانت اجرای دولتی است (دوپاکیه، ۱۳۳۲، ۱۰-۱۱). اما اگر عمل به همین حقوق و احکام در بستر فرهنگی در جامعه شکل بگیرد، سبب تسریع حرکت انسان‌ها در انجام آن خواهد شد. این در حالی است که حقوق و احکام اقتصادی نقش اساسی در شکل‌دهی به رفتارها و روابط اقتصادی دارند.

طراحی سبک زندگی دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی

با توجه به آن چه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت که انسان تربیت یافته به تربیت دینی در اولین گام در پی اصلاح سبک زندگی خود بر مبنای تطبیق الگوی رفتارهای اقتصادی خود با آموزه‌های دینی بر خواهد آمد؛ که این امر خود، به طور مستقیم، همان اهداف و نتایجی را در پی خواهد داشت که اقتصاد مقاومتی در پی آن است. طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با تربیت دینی نمی‌تواند نسبت به مؤلفه‌ها و ارکان اقتصاد مقاومتی بی تفاوت باشد.

رئیس مرکز مطالعات و مباحثی مدل‌های اقتصادی در این باره می‌گوید: وقتی بحث از اقتصاد مقاومتی می‌کنیم، تصور ما از اقتصاد، نوعی از اقتصاد اسلامی است؛ یعنی اقتصادی که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد و مقوله‌های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و الگوی خاص دنبال می‌کند. به طور حتم این الگو نه الگوی سوسیالیستی و نه الگوی سرمایه‌داری است (زریباف، ۱۳۹۱). در ادامه به توضیح بیشتر و چگونگی این ارتباط با برخی مؤلفه‌ها و ارکان اقتصاد مقاومتی خواهیم پرداخت.

مؤلفه‌ها و ارکان اقتصاد مقاومتی

الف - اصلاح الگوی مصرف

افزایش مصرف و روحیه مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی و مصرف کالاهای خارجی در بسیاری از کشورها از جمله ایران به یک معضل غیر قابل حل تبدیل شده است، و به عنوان یک مانع در برابر توسعه اقتصادی در این کشورها عمل می‌کند. در حالی که این کشورها بیش از هر چیز به افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولیدات داخلی احتیاج دارند که شاخص اصلی توسعه اقتصادی است، ولی افزایش مصرف کالاهای خارجی سبب می‌شود تا تولیدات داخلی دچار مشکل شود؛ و علاوه بر آن بخش قابل توجهی از درآمد ملی به جای

سرمایه‌گذاری، صرف خرید کالاهای خارجی شود. از این رو اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد مقاومتی نقش اساسی دارد، تا جایی که به تعبیر مقام معظم رهبری:

مسأله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر... امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است؛ انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۳).

اصول چهارگانه مصرف در قرآن

با توجه به آن چه که در تعامل بین ایمان و عمل گفته شد؛ تربیت یافته به تربیت دینی در مصرف، باید سبک زندگی خود را بر محور چهار اصل قرآنی ذیل قرار دهد.

۱. مصرف همراه با پارسایی:

این امر از منظر قرآن کریم، با پیروی نکردن از خواسته‌های شیطان (بقره/۱۶۸) و پرهیز از فساد و تباهی (بقره/۶۰) و طغیان‌گری (طه/۸۱) و نیز دوری از اسراف (اعراف/۳۱) و تبذیر (اسراء/۲۷-۲۶) محقق می‌شود (جواد ایروانی، ۱۳۸۴، ۲۳۶-۲۳۷). بر این اساس، قرآن مصرف مشروع را به رسمیت شناخته و تعهدی بر آن ایجاد نموده است (حریری، ۱۳۶۲، ۳۴۱).

۲. مصرف همراه با عمل صالح:

این مطلب را قرآن کریم در سوره مؤمنون، آیه ۵۱، خطاب به پیامبرانش که اسوه و الگوی امت‌های خود بوده‌اند، به صورت فرمان و دستور، این گونه بیان می‌کند: ای رسولان از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید (جواد ایروانی، ۱۳۸۴، ۲۳۶-۲۳۷).

۳. مصرف همراه با ادای حقوق:

او است که باغ‌های معروش (باغ‌هایی که درختانش روی داربست‌ها قرار

دارد)، و باغ‌های غیرمعروش (باغ‌هایی که نیاز به داربست ندارد) را آفرید. همچنین نخل و انواع زراعت را، که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند. و (نیز) درخت زیتون و انار را، که از جهتی با هم شبیه و از جهتی تفاوت دارند (برگ و ساختمان ظاهری‌شان شبیه یکدیگر است، در حالی که طعم میوه آنها متفاوت می‌باشد). از میوه آن، به هنگامی که به ثمر می‌نشیند، بخورید، و حق آن را به هنگام درو، پردازید، و اسراف نکنید، که خداوند مسرفان را دوست ندارد (انعام/۱۴۱، ترجمه مکارم شیرازی).

در مکتب اقتصادی قرآن، یک انسان تربیت یافته به تربیت قرآنی، همچنان که به خود و خانواده‌اش رسیدگی می‌کند، و در پی تأمین نیازمندی‌های روزانه آنهاست، از رسیدگی به نیازمندان و مستمندان نیز غفلت نمی‌ورزد (طالب تاش، ۱۳۸۸، ۴۵).

بدین جهت است که در سیستم اقتصاد اسلامی نمی‌توان رفتار مصرف‌کننده مسلمان را بدون رابطه با رفاه کلی همان جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؛ به تعبیر دیگر توابع مطلوبیت مصرف‌افراد چنین جامعه‌ای را نمی‌توان مستقل از یکدیگر در نظر گرفت (توتونچیان، ۱۳۶۳، ۱۲۴).

۴. مصرف همراه با شکر:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید و خدا را شکر کنید (بقره/۱۷۲). شکر که در معنای توسعه یافته آن، بهره‌گیری از نعمات الهی در مسیر هدف آفرینش آنهاست؛ در واقع ثمره عملی مصرف همراه با پارسایی، و مصرف همراه با انجام عمل صالح و مصرف همراه با پرداختن حقوق است (جوادی ایروانی، ۱۳۸۴، ۲۳۷-۲۳۶).

اگر این چهار اصل قرآنی مصرف در کشور رعایت شود؛ به یقین مصرف بهینه را هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی در پی خواهد داشت. بنابراین، تربیت دینی نقش بسزا و غیر قابل انکاری جهت دستیابی به الگوی صحیح مصرف در اقتصاد مقاومتی خواهد داشت.

تأمین نیاز سرمایه در بازار سرمایه

در چرخه اقتصادی هرگاه مصرف بر مبنای تربیت دینی صورت پذیرد علاوه بر پیش‌گیری از آسیب‌ها و تبعاتی که مصرف‌گرایی در پی دارد، خواهد توانست از هدر رفتن و نابودی سرمایه‌ها جلوگیری کند که به تعبیر امام کاظم علیه السلام، «من اقتصد و قنع بقیت علیه النعمه و من بذر و اسرف زالت عنه النعمه»، کسی که میانه‌روی و قناعت را در مصرف برگزیند نعمت‌اش دوام خواهد یافت؛ و کسی که به اسراف و تبذیر پردازد؛ نعمت‌اش پایان خواهد پذیرفت (حرانی، ۱۳۹۸ق، ۴۰۳).

در آموزه‌های دینی نه تنها اصلاح الگوی مصرف از نابودی سرمایه‌ها پیش‌گیری می‌کند، بلکه به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام حتی زمینه افزایش آن را نیز فراهم می‌سازد «الاقتصاد ینمی القلیل»؛ میانه‌روی سبب افزایش (مال) کم خواهد شد (آمدی، ۱۳۶۶، ۳۵۳). و در کلامی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ضمنت لمن اقتصد ان لا یفتقر»؛ من تضمین می‌کنم که کسی که میانه‌روی ورزد فقیر نشود (کلینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ۵۳).

رونق یافتن بازار اشتغال و توسعه کارآفرینی

در واقع دین از طریق مدیریت بازار مصرف در جامعه دین‌مدار، سبب ایجاد ثبات در بازار سرمایه می‌شود، بدین جهت به تعبیر نویسنده کتاب *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، الگوی مصرف در اسلام به گونه‌ای طراحی شده که بازارها از آسیب‌های رکودی و تورمی در امان‌اند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ۴۱۱). بی‌جهت نیست که برخی از صاحب‌نظران اقتصادی در تعریف اقتصاد مقاومتی به بیان اهمیت اصلاح الگوی مصرف پرداخته و می‌گویند:

اقتصاد مقاومتی یعنی این که مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند (صادقی شاهدانی، ۱۳۹۱).

واقعیت‌های اقتصادی کشور گویای آن است که اگر بتوان در زمینه اصلاح الگوی مصرف گام‌های موثری برداشت؛ با توجه به زیرساخت‌هایی که در زمینه اقتصادی در کشور فراهم آمده است، در مرحله یک جهش قرار گرفته است. وضعیت زیرساخت‌های امروز، بنادر فعال، خطوط مواصلاتی جاده‌ای و راه‌آهن، تعداد متخصصان و فارغ‌التحصیلان، نیروهای ماهر و کارآفرین، گستردگی نظام آموزش عالی، فراهم شدن زمینه‌های قانونی برای فعالیت اقتصادی مانند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، همه و همه شرایطی را فراهم آورده که کشور در آستانه یک جهش اقتصادی قرار دارد.

کاهش وابستگی به نفت

بارزترین اثر نامطلوب مصرف‌گرایی، هدر دادن ثروت‌ها، منابع و امکانات مادی و طبیعی است. این پدیده سبب می‌شود تا منابع و ثروت‌هایی که می‌تواند در بخش‌های تولیدی و زیربنایی سرمایه‌گذاری شود، برای خرید کالاهای مصرفی و تجملی، آن هم از نوع خارجی آن هزینه گردد، و در نتیجه روز به روز بر میزان وابستگی و نابودی سرمایه‌ها افزوده شود. در کشور ما نفت از جمله ثروت‌ها و منابع انرژی‌زایی است که به صورت کالای خام به بازار عرضه می‌گردد؛ و بخش عظیمی از درآمد حاصل از فروش آن برای خرید کالاهای مصرفی خارجی هزینه می‌شود. در حالی که در صورت ضرورت فروش آن به صورت خام، باید درآمد حاصل از فروش برای خرید کالاهای سرمایه‌ای و اشتغال‌زا هزینه گردد. اهمیت این موضوع تا جایی است که انتظار رهبری از اقتصاد مقاومتی این است که بتواند چاره‌ای برای این مسأله بیاندیشد:

کاهش وابستگی به نفت، یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله کارهایی است که

می‌تواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیت‌های گوناگونی در کشور وجود دارد که می‌تواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم (مقام معظم رهبری ۱۳۹۰/۵/۳).

این در حالی است که به تعبیر ایشان:

درآمد حاصل از نفت همچنان بخش مهمی از درآمد کشور را تشکیل می‌دهد. این درآمد اولاً تک محصولی و ناشی از فروش دارایی‌های سرمایه‌ای کشور است و ثانیاً متأثر از رفتار کشورهای متخاصم است، که تحریم خرید نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا نمونه‌ای از آن به شمار می‌رود. به‌ویژه وقتی این تصمیم با تحریم‌های مالی همراه می‌شود، دریافت درآمد فروش آن مقدار از نفت به دیگر کشورها هم عملاً مشکل می‌شود. لذا وابستگی بودجه کشور به این مقدار از درآمد نفتی یک نقطه ضعف مهم است. ما باید به این جا برسیم و بتوانیم خودمان را از درآمد نفت واقعاً بی‌نیاز کنیم. یکی از بزرگ‌ترین بلیات اقتصاد ما، و نه فقط اقتصاد ما، بلکه بلیات عمومی کشور، وابستگی ما به درآمد نفت است (همان، ۲۶/۰۵/۹۰).

ب - نظام آموزشی متناسب با اقتصاد مقاومتی

از مهم‌ترین منابع هر کشور، نیروی انسانی آن است. هرگونه تغییر و تحول کیفی، منوط به کارآمدی نیروی انسانی جامعه است. تنها منبع پایان‌ناپذیر، انسان و ظرفیت‌های بالقوه او است. بر این اساس، با ارزش‌ترین سرمایه‌گذاری برای یک کشور، تربیت و مدیریت نیروی انسانی است. این مهم از طریق نظام آموزشی قابل دستیابی است.

نهاد آموزش، در جوامع امروزی، همچنان از دو بخش رسمی و غیر رسمی برخوردار است. بخش رسمی آن، مدارس و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی هستند، و بخش غیر رسمی آن نیز همه اشکال دیگر اجتماعی یادگیری، مثل یادگیری در مجالس مذهبی و کارگاه‌ها، یادگیری از طریق رسانه‌ها و... را شامل می‌شود.

امروزه در سطح اجتماع، آموزش به معنای وسیع کلمه با «جامعه‌پذیری» هم

معناست، زیرا هر دو واژه در بردارنده مفهوم انتقال فرهنگ از شخص یا گروه به شخص و گروه دیگر است. وجه بارز آموزش در جامعه نوین، عبارت است از نهادی که تبدیل به یک فعالیت رسمی و صنعتی شده است. اما این که نهادهای آموزشی و تربیتی چگونه می‌توانند در بهبود اقتصاد مقاومتی نقش داشته باشند، باید گفت: کارکرد نظام آموزشی صحیح و موفق آن است که کودکان و نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط و نیازهای تاریخی آن برهه تربیت کند. براین اساس اگر نظام آموزشی، تربیت دینی را در رأس اولویت‌های خود قرار دهد؛ با توجه به آن که تربیت دینی به طور طبیعی شامل تبیین و ترویج ارزش‌های دینی است، می‌تواند با فعالیتهای برنامه‌ریزی شده توسط نهادهای آموزشی جامعه، به منظور آموزش بینش، منش و آموزه‌های دین به افراد به گونه‌ای عمل کند که در عمل نیز پای‌بند به باورهای خود باشند (داوودی، ۱۳۸۶، ۱۶).

در این صورت است که نظام آموزشی گام بلندی را در راستای نهادینه سازی فرهنگ اقتصادی اسلام برداشته است.

بنا بر این، سرمایه‌گذاری بر روی این نهاد و ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی برای فرد فرد اعضای جامعه، آنها را در فراگیری دانش‌ها و مهارت‌های موجود، در زمینه تربیت دینی یاری می‌رساند؛ چرا که جامعه‌ای که دارای افراد باسواد و تحصیل کرده یا حرفه‌آموخته متخلق به اخلاق اقتصادی اسلام باشد، در دست‌یابی به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی نیز موفق خواهد بود. به تعبیر مقام معظم رهبری:

اگر ما به احکام اسلامی عمل کنیم و اگر جامعه اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب کند، همان چیزی اتفاق می‌افتد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده، یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱/۲۹).

به اعتقاد ایشان: رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای یک ملت تنها در سایه ایمان به خدا و حاکمیت ارزش‌های الهی تأمین می‌شود (همان، ۷۱/۳/۳۰).

نقش رسانه‌ها

نهادهای آموزشی - تربیتی با توجه به کارکردهای ویژه‌ای که به عهده دارند، همان طور که گفته شد، می‌توانند موجبات رشد فردی و رفاه جمعی را فراهم نمایند. این جریان، در زندگی انسانی نقش مهمی را ایفا می‌نماید. برای مثال، توجه به ایجاد روحیه فرهنگ صرفه‌جویی و روحیه نوجویی و نوآوری و ترویج این فرهنگ، یکی از تأثیرات سازمان‌های آموزشی و تربیتی در سطح اجتماع است، که می‌تواند تأثیر ویژه‌ای در بهبود رفتارهای مصرفی در جامعه داشته باشد؛ چرا که اغلب جوامع، دارای خرده فرهنگ‌های متفاوت قومی، نژادی و... هستند و آموزش می‌تواند افراد این اقلیت‌ها را با فرهنگ عمومی جامعه در زمینه اقتصادی که صرفه‌جویی است هم نوا و آشنا سازد و بدین ترتیب، جامعه‌ای نسبتاً همگون با ارزش‌های مشترک را به وجود آورد. رسانه‌ها می‌توانند از طریق فیلم‌ها و سریال‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی و... در این بخش ایفا کنند.

ج - اهمیت دادن به وجدان کاری

وجدان کاری، وجود حالتی درونی در افراد است که آنها را وادار می‌کند که کار را به کارآمدترین شکل انجام دهند. با پیدایی دانش روابط انسانی، به خلاف نظریه کلاسیک‌ها، که فرد را تنها از جنبه اقتصادی مهم می‌دانستند و کارگران را همانند ماشین‌هایی می‌پنداشتند که باید از نیروی آنها به عنوان انرژی مکانیکی در زمینه افزایش سطح تولید استفاده کرد، می‌توان دریافت چه عواملی در چگونگی رفتار سازمانی افراد، مؤثر بوده و می‌تواند در کاهش یا افزایش وجدان کاری و در نتیجه بازدهی و تولید تأثیر بگذارند (افجه، ۱۳۸۰، ۶۵). از این رو، مسأله اصلی در هر کار جمعی یا سازمانی، ایجاد و نگهداری روابط انسانی هماهنگ است. در واقع وظیفه مدیریت در هر بنگاه اقتصادی فراهم ساختن موقعیتی است که در آن افراد داوطلبانه آماده همکاری شوند (علاقه‌بند، ۱۳۷۸، ۷۴). در حقیقت، نگرش کارگران نسبت به کار و همکاران و سرپرستان، وجدان کاری و

در پی آن بهره‌وری را تعیین می‌کند (سرمد، ۱۳۷۸، ۸۵). در راستای ایجاد و تقویت روابط انسانی و نگرش افراد به کار و در نتیجه توجه به وجدان کاری است که امام خمینی علیه السلام در موارد متعددی به این حقیقت اشاره دارد:

امروز شما هستید و خودتان هستید و کشور مال خود شما هست و منافع کشور از خود شما و از برادران شماست، اگر بخواهید که آنها دیگر نتوانند رخنه کنند، استقامت باید بکنید، پایداری باید بکنید، پایداری به این است که هر کس در هر شغلی که هست آنجا را خوب عمل بکند (صحیفه نور، ج ۱۶، ۱۴۰).

کار و وجدان کاری در آموزه‌های دینی از اهمیت بسزایی برخوردار است، تا جایی که در باور یک انسان مسلمان، عمل صالح یکی از محوری‌ترین شعارهای آن به شمار می‌آید، به گونه‌ای که (همچنان که در بحث تعامل بین ایمان و عمل گذشت)، ظهور و جلوه ایمان و اعتقاد صحیح در عمل صالح تجلی می‌یابد. بنابراین، کار تولیدی آنها می‌تواند طوری طراحی و اجرا شود که از مصادیق عمل صالح به حساب آید. از ویژگی‌های چنین فعالیت‌هایی صداقت و به دور بودن از غل و غش و در راستای حل مشکلات فردی و اجتماعی است، که در این صورت از بیشترین تقدس برخوردار خواهد بود.

بنابراین، تربیت دینی با توجه به ایجاد انگیزه دینی در افراد به خوبی می‌تواند در این بخش کارآمد باشد. ثمره و نتیجه چنین تربیتی است که براساس آیه *﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾* (مائده/۳)؛ بازار اسلامی می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق جایگاه همکاری جهت تحقق نیکی و کمک به سالم سازی و دوری از سوء استفاده از موقعیت‌های بحرانی، نقش فعالی داشته باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ۱۱۷؛ طباطبایی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ۱۹۰). همچنان که تولید کننده مسلمان از انحصارگری پرهیز می‌کند، چون ممکن است انحصارگر برای دستیابی به سود بیشتر در بخش تولید، گاهی از تمام ظرفیت تولید بهره نگیرد، و در برخی مواقع هم برای تثبیت قیمت، کالای تولیدی خود را نابود کند (مجید رضایی، ۱۳۸۴،

۷۸). همچنان که محتکر با احتکار و کاهش عرضه، نبض قیمت کالا را در دست می‌گیرد و بر تعیین قیمت حاکمیت می‌یابد. براین اساس، تولید کننده و تاجر مسلمان در پی انحصار و احتکار نخواهد بود، زیرا انحصار و احتکار و نابودی کالا با روح تعاون در اسلام منافات دارد.

همچنان که برای تولید برخی از کالاها و خدمات ضروری که ممکن است جامعه، به علت نبودن اقبال در تولید آنها دچار مشکل باشد، مسلمانان خود را موظف می‌دانند در قالب واجب کفایی برای تولید آن اقدامات لازم را به عمل آورند (صدر، ۱۴۲۱ق، ۸۶).

د - اقتصاد دانش بنیان

اگر دست‌یابی به «بهره‌وری بهینه» را در «کارایی» خلاصه کنیم و کارایی را به معنای یافتن نزدیک‌ترین و کم هزینه‌ترین راه‌ها برای دست‌یابی به هدف مورد نظرمان بدانیم، در این صورت باید به طور منطقی بپذیریم که شناخت راه‌ها و روش‌های ممکن برای رسیدن به هدف و نیز راه بهینه برای نیل به هدف، جز با توسل به روش‌های علمی ممکن نیست. بدین جهت است که در عصر جدید، اصلی‌ترین عامل تعیین‌کننده در خلق ارزش اقتصادی، دانش است. دانش دارای‌ای است که با مصرف بیشتر، رویش بیشتری را در پی دارد. لذا اگر اقتصاد کشوری بر پایه دانش شکل گیرد (اقتصاد دانش‌بنیان)، اولاً امکان رویش مستمر را دارد، ثانیاً پایدار و مستقل خواهد بود. در راستای اهمیت این مسأله است که به نظر مقام معظم رهبری:

مسأله دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است همین شرکت‌های دانش بنیان، یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ اگر ما ان شاء الله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشور احساس کرد که با علم

خود، با دانش خود می‌تواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملت‌ها خدمت برساند، احساس هویت می‌کند، احساس شخصیت می‌کند؛ این درست همان چیزی است که ملت‌های مسلمان امروز به آن احتیاج دارند... (مقام معظم رهبری، ۸/ ۱۳۹۱/۵).

در راستای اهمیت دادن به علم و دانش است که در اسلام فراگیری آن در زمره عبادات قرار می‌گیرد و در مقایسه بین فراگیری علم و انجام عبادات، جانب برتری به فراگیری علم داده می‌شود، تا جایی که به تعبیر امام باقر علیه السلام، علم دانشمندی که مفید است از عبادت هفتاد هزار عابد برتر است (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۱، ۳۳). به بیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فضل عالم و دانشمند بر عابد مانند فضل و برتری خورشید بر سایر ستارگان است (متقی، ۱۴۱۳ق، حدیث ۲۸۷۸۶). خلاصه این که با توجه به اهمیت بالا و کارآمدی علم و دانش است که امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

هر گاه مردم ارزش دانش را می‌دانستند، هر آینه برای به دست آوردن آن حاضر می‌شدند به هر آب و آتشی داخل شوند (کلینی، اصول، ج ۱، ۳۵). این در حالی است که از منظر علی علیه السلام بهترین بستر برای رویش علم و دانش ایمان و باورهای ایمانی است «بالایمان یعمر العلم» به سبب ایمان علم و دانش دارای رویش و نوآوری است (دستی، ۱۳۷۹، ۲۹۰). بنابراین، اگر علم و دانش در سایه ایمان به باروری نهایی خود می‌رسد؛ تربیت دینی بر نهادینه سازی حاکمیت نگرش علمی در تمامی امور می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت:

دین و اقتصاد در نظام اجتماعی اسلام، دو بعد زندگی انسانی و اجتماعی هستند که ترسیم و تحلیل صحیح آن دو و عمل به احکام و قوانین آنها بر میزان هم‌گرایی و کارآمدی هر یک بر دیگری خواهد افزود؛ تا جایی که رفتارهای اقتصادی فرد دیندار از یک سو در چارچوب دستورهای اقتصادی دین قرار

گرفته، و از دیگر سو این رفتارها مؤید و مکمل دینداری اوست. دست‌یابی به این تعامل و هم‌گرایی در بستر تربیت دینی فراهم می‌شود، زیرا تربیت دینی فرایندی است که در تلاش است تا بین باورهای دینی و عمل به باورها پیوند مستحکمی برقرار کند. علاوه بر آن، تربیت دینی به آسانی می‌تواند برخی از پدیده‌های اقتصادی، که حتی تحلیل اقتصادی مادی محض از تفسیر آنها ناتوان است (مانند پدیدهٔ تعاون، ایشار و دیگر خواهی و بخشش‌های مالی)، در قالب اطاعت از اوامر الهی و ارتقاء کمالات انسانی توجیه عقلانی نماید (منذر قحف، ۱۳۸۴، ۱۷۸).

در راستای تعامل و هم‌گرایی بین دین و اقتصاد در نظام اجتماعی اسلام است که بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی پیوند وثیقی برقرار می‌گردد؛ تا جایی که تربیت دینی با تأثیرگذاری بر مؤلفه‌ها و ارکان اقتصاد مقاومتی از جمله در بخش مصرف، از طریق بهینه‌سازی مصرف افراد و در نتیجه مدیریت بازار مصرف، به خوبی می‌تواند سه بازار دیگر که عبارتند از بازار سرمایه، بازار کار و بازار تولید را مدیریت نماید؛ در نتیجه بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی ایجاد کند.

در بخش تولید نیز با توجه به اهمیت دادن به کار و وجدان کاری، با بهره‌گیری از علم و دانش، خلاقیت و نوآوری و در نتیجه ارتقاء بهره‌وری، پیشرفت مستمر و رشد اقتصادی پایدار را به ارمغان آورد. براین اساس، اقتصاد مقاومتی در قالب یک آرمان فرهنگ اقتصادی دینی بروز و ظهور می‌یابد. بنابراین، اقتصاد مقاومتی تنها یک برخورد انفعالی در برابر تهاجم‌های دشمن نیست، بلکه یک طراحی فعال برای کاهش آسیب‌پذیری و مقاوم‌سازی اقتصاد کشور در مقابل تمامی تهدیدهاست.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. افجه، سید علی اکبر (۱۳۸۰)، مبانی فلسفی و تئوری‌های رهبری و رفتار سازمانی،

- تهران، سمت.
۳. امیری تهرانی، سید محمد رضا (۱۳۷۲)، «پیش درآمدی بر اقتصاد اسلامی»، کیهان فرهنگی، شماره ۳.
۴. ایزدی، طاهره (۱۳۹۲) <http://www.khorshidonline.com/?itemcode=0-43-1692>
۵. ایروانی، جواد (۱۳۸۹)، *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۶. الحسنی، نذیر (۱۳۸۳)، *فلسفه التریبه فی الاسلام*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. باقری، خسرو (۱۳۸۰)، *آسیب و سلامت در تربیت دینی، تربیت اسلامی (کتاب ششم)*، تهران، نشر تربیت اسلامی.
۹. بناء رضوی، مهدی (۱۳۶۷)، *طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۰. توتونچیان، ایرج (۱۳۶۳)، *تئوری تقاضا و تحلیل اقتصادی انفاق*، تهران، مرکز اطلاعات فنی ایران.
۱۱. پیغامی، عادل (۱۳۹۱) <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=20559>
۱۲. جامی، علیرضا؛ ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، *راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی*، مشهد، سخن گستر.
۱۳. حریری، محمد یوسف (۱۳۶۲)، *اسلام و نظام اقتصادی*، تهران، امیری.
۱۴. حرانی، علی بن الحسین (۱۳۹۸ق)، *تحف العقول*، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، *وسائل الشیعه*، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۱۶. خوش چهره، محمد (۱۳۹۱) <http://www.abna.ir/print.asp?lang=1&id=332963>
۱۷. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، قم، پرهیز کار.
۱۸. داوودی، محمد (۱۳۸۶)، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۹. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت.
۲۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، *درآمدی بر اقتصاد اسلامی*، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۲۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغتنامه دهخدا*، تهران، مؤسسه دهخدا، دوره جدید، چاپ دوم.
۲۲. دوپایه، کلود (۱۳۳۲)، *مقدمه تئوری کلی و فلسفه حقوق*، ترجمه محمد علی طباطبایی، تهران، بوذرجمهری.
۲۳. رضایی، مجید (۱۳۸۴)، «آثار برخی قواعد فقهی بر بازار کار»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۸.
۲۴. رضایی محسن (۱۳۹۲) <http://fanoos-sbu.blogfa.com/post/5>
۲۶. زریباف، مهدی (۱۳۹۱) <http://www.598.ir/fa/news/72430/%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5>

۲۷. سرمد، غلامعلی (۱۳۷۸)، *روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی*، تهران، سمت.
۲۸. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)
<http://www.khorshidonline.com/?itemcode=0-43-1692>
۲۹. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱)
<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910518000359>
۳۰. صادق‌زاده قمصری، علیرضا و همکاران (۱۳۸۰)، *تربیت اسلامی ۶ (ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی)*، تهران، تربیت اسلامی.
۳۱. صدر، سید محمد باقر (۱۴۲۱ق)، *الاسلام يقود الحياة*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۳۲. *صحیفه نور* (۱۳۶۹)، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی.
۳۳. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۰ق)، *العروة الوثقی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى.
۳۴. طالب‌تاش، عبدالمجید (۱۳۸۸)، *الگوی مصرف در آموزه‌های قرآن کریم*، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۵. عزتی، مرتضی (۱۳۷۸)، «جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه امام خمینی»، نامه مفید، شماره ۲۰.
۳۶. علاقه‌بند، علی (۱۳۷۸)، *مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی*، تهران، روان.
۳۷. فیروزآبادی، مرتضی (۱۳۹۱) <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=21245>
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۰)، *اصول کافی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
۳۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۸)، *فروع کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. <http://www.khamenei.ir> مقام معظم رهبری
۴۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۴۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. منذر قحف (۱۳۸۴)، «دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۸.
۴۴. میر محمدی، محمد حسین (۱۳۹۱)
<http://www3.arak.irna.ir/fa/News/80437349/%D8%A7%D8%B3%D8%AA>
۴۵. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۳ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۶. موسوی، سید علی (۱۳۹۲) <http://daneshgahnews.com/0fa17729idcontent.htm>